

مومیائی در ایران باستان

استاد جهانگیر یاسی

پیشگفتار واژه مومیا در زبان عربی بمعنی نگهداری بدن (عضلات و پوست) و اسکلت بندی (استخوان) میباشد. مومیائی کردن در مصر از ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح انجام میشده و از نظر مذهبی اجساد مردگان را در برابر فساد و خرابی حفظ میکردند. عمل مومیائی در حدود ۷۰ روز طول میکشیده. هنگامی که با نوار کتانی آغشته به موم تمام جسد را میپوشاندند روی پارچه و سپس تابوت چوبی را نقاشی کرده و صورت فوت شده را بشکل استیلیزه (هندسی) نقش میکردند. این عمل حتی ۱۰۰ سال پس از میلاد مسیح در زمان اقتدار قیصرهای روم که مصر را فتح کرده بودند انجام میشده که امروزه بصورت شیئی قیمتی و باستانی بشمار میرود.

تعداد زیادی از این نوع مومیائی و نقاشی در شهر فیوم در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غربی قاهره بدست آمده است که در موزه های مختلف مشهور جهان بخصوص موزه بریتانیا (لندن) لوور (پاریس) مترو پولتین (نیویورک) بنمایش گذاشته شده اند.

اعجاز عسل – عسل سالم و طبیعی یکی از مواد غذایی است

ایران زمین

که دارای ماده آنتی بیوتیک (ضد میکرب) بوده بدین معنی که اگر سالها در هر کجا بماند فاسد نمیشود و حتی هر چیزی (شیئی) درون آن قرار گیرد نیز فساد نمیپذیرد. فقط در اثر مرور زمان تبخیر میشود. بهمین دلیل مصریهای باستانی از موم آن که ماده نفوذ ناپذیری است برای نگهداری اجساد مردگان استفاده میکردند

عامل هوا در زندگی – میدانیم و شنیده ایم که انسان تقریباً تا ۴۰ روز بدون غذا میتواند زنده باشد و تا یکی دو هفته بدون آب میتواند به زندگی خود ادامه دهد ولی اگر سه دقیقه به او هوا نرسد مرگ او فرا میرسد.

همانطور که هوا (ترکیبی از گازهای اکسیژن – متان – هلیوم و ازت . . .) که تا ۸۰ کیلومتری اطراف زمین را فرا گرفته برای زندگی و ادامه حیات انسانها – حیوانات – نباتات ضروری است ، در زیر زمین باعث فساد و پوسیدگی و خرابی میگردد.

این موضوع را دانشمندان و بخصوص پزشکان باستانی مصر میدانستند و بهمین جهت پس از مومیائی کردن اجساد (بخصوص فراعنه) آنرا در تابوت چوبی نفوذ ناپذیر گذاشته و سپس تابوت را در محفظه یا حوضچه های سنگی با پوشش در سنگی گذاشته آنرا از فساد و پوسیدگی حفظ میکردند.

اگر هوا در زیر زمین بر اشیاء نفوذ کند در اصطلاح عامه به

ایران زمین

پوسیدگی، زنگ زدگی، سستی و خرابی تعبیر میشود ولی از نظر شیمیائی به از دست دادن اتمهای آن جنس میانجامد.

هر جنس با ریشه خاکی (مانند سنگ - جواهرات - فلزات - سفال و چینی) و یا نباتی (مانند چوب پارچه های کتانی، کاغذ) و یا حیوانی (مانند پوست - استخوان) از مولکولهای تشکیل شده که در آن مولکولها هزاران اتم قرار گرفته است و اتمهای تشکیل دهنده هر جنس مثلاً استخوان با اتمهای جنس آهن متفاوت است و اگر تفاوت نداشت، استخوان هم مثل آهن یا بر عکس میشد. برای مثال اتمهای تشکیل دهنده آهن در زمان سالم بودن ده هزار در هر مولکول است و در چوب ۱۰۰ میباشد و اگر در زیر زمین قرار گیرند و هوا در آنها نفوذ کند در اصطلاح شیمیائی میگوئیم اتمهای خود را از دست داده است و از همین راه تاریخ صحیح و باستانی بودن اشیاء را در علم باستان شناسی تشخیص میدهند و اشیاء تقلبی را از اصیل جدا میکنند.

آزمایش کربن ۱۴ - کربن یا زغال از نظر شیمیائی دارای دو ظرفیت ۱۲ و ۱۴ میباشد.

هر جنسی مانند چوب و استخوان که سالها در زیر زمین مانده و فاسد و پوسیده شده باشد از نظر شیمیائی کربنیزه شده و اتمهای خود را از دست میدهد که در آزمایشگاه پس از انجام اعمال شیمیائی به

ایران زمین

ازای اتمهای از دست داده شده و با یک تناسب سال و تاریخ جنس را تشخیص میدهند.

حَلَد (تأثیر) دین در فرجامگاه

بشر از آغاز زندگی مانند حیوانات در جنگل زندگی میکرد و از برگ و میوه درختان و هم چنین شکار حیوانات کوچک و پرنندگان غذای خود را بدست میآورد و برای دوری از حیوانات درنده و وحشی شبها به شاخه های درختان پناه میبرد و در آخر در جنگل هم مرگش فرا میرسید و این نوع زندگی (انسان جنگلی) چندین صد هزار سال طول کشیده و متأسفانه آثار زیادی از جسد او بدست نیامده و پس از مرگ در جای بخصوص و مشخص قرار نمیگرفته، بلکه خود طعمه حیوانات دیگر شده و استخوانهایش پس از چندین سال پوسیده و از بین رفته است.

مرحله غار نشینی – مرحله دیگر زندگی بشر در غارها آغاز شده و به چند صد هزار سال پیش از میلاد میرسد و تقریباً در دسته های ۱۵ تا ۲۰ نفری با یکدیگر زندگی میکرد و مشترکاً به شکار میپرداخته اند و از ابزارهای سنگی که خودشان میساختند استفاده میکردند. قدیمترین آثاری که از این دوره در ایران بدست آمده

ایران زمین

مربوط به ۱۲۰ هزار سال پیش از میلاد است که به دوره آشولیان (محل کشف در سنت آشول در شمال فرانسه) نامیده شده و از ابزار سنگی ضخیم و ابتدائی مانند تبر - گرز - تیغه های مختلف چاقو سرنیزه استفاده کرده اند .

سه مرحله دیگر غارنشینی بنام دوره موسترین (غاری بهمین نام موسیته در جنوب فرانسه)مربوط به ۵۰ هزار تا ۳۵ هزار سال پیش از میلاد است که آثارش در غاری بنام قمری در دامنه کوه شمال شهر خرم آباد (لرستان) در سال ۱۳۴۴ از حفریات بدست آمده است دوره دوم بنام باراداستین (غاری بنام باراداست در جنوب فرانسه) مربوط به ۳۵ هزار سال تا ۲۰ هزار سال پیش از میلاد است که آثارش در غار یافته و کنجی (اولی در جنوب غربی خرم آباد در راه کوهدشت و دومی در جنوب شرقی خرم آباد) در سالهای ۱۳۴۳ و ۴۴ بدست آمده است . دوره سوم بنام زارزین (غاری بهمین نام در شمال کشور عراق) مربوط به هزارسال تا ۱۰ هزار سال پیش از میلاد است که آثارش در پناهگاه سنگی بنام پاسنگر در بلندیهای جنوب شهر خرم آباد در سال ۱۳۴۴ بدست آمده است.

آثار بدست آمده در این غارها عبارتند از ابزار و آلات سنگی برای شکار حیوانات و صید ماهی و پوست کندن حیوانات و قطعه کردن گوشت مانند تبرهای سنگی - تیغه چاقو - اژه سنگی و پیکان و قلاب ماهی گیری که به ترتیب در مرحله اول غارنشینی خیلی

ایران زمین

ابتدائی و خشن و در مراحل بعدی ظریف تر و سبک تر و هنرمندانه تر ساخته و پرداخته شده اند.

در تمام این سه مرحله زندگی غارنشینی آثار استخوانی حیواناتی مانند بز وحشی - خوک - خرگوش - لاک پشت قورباغه و موش صحرایی بدست آمده که از گوشت آنها تغذیه میکردند.

در این مرحله زندگی غارنشینی آثاری از اسکلت انسان بدست نیامده و بنابر این میتوان نتیجه گرفت که جسد انسان پس از مرگ از غار بیرون برده میشده و طعمه حیوانات میشده و احتمالاً اگر جسدی در محلی محفوظ میمانده و مثلاً زیر سیلاب باقی مانده و آثاری بدست آمده، دلیل آن نیست که جسد را جای مشخصی دفن نمیکرده اند یا گورستان داشته اند.

مرحله زندگی کشاورزی - مرحله زندگی کشاورزی در ایران از ۸ هزارسال پیش از میلاد مسیح آغاز شده . در تپه سراب نزدیک کرمانشاه در سال ۱۳۳۸ حفاری علمی انجام گرفت و دانه های گندم - جو و ارزن و سفالهای دست ساخته بدست آمد که پس از آزمایش کربن ۱۴ ، زمان ۸ هزارسال پیش از میلاد مسیح را مشخص کرده

در این مرحله زندگی کشاورزی ، انسان در اجتماعات زیادتری شروع

ایران زمین

به ساختن خانه در زیرزمین کرد و کم کم با چینه بر روی زمین اطاقهای کوچک ۲ در ۲ متر ساخت و اولین دهکده ها پدید آمد. کار زنان با مردان مشخص تر و همکاری بیشتری در خانواده اولیه انجام گرفت. در این زمان بععل زلزله - سیل و طوفان و آتش سوزیهای جنگلی که بشر از چگونگی و دلایل آن آگاهی نداشت بتصورات و اعتقاداتی که پایه اولیه دین میباشد روی آورد و برای این نوع بلاهای آسمانی خدایانی در نظر گرفته و حتی قربانیهایی میداد. در این مرحله انسان پس از مرگ جسدش در همان اطاق یا گوشه حیاط دفن میشد و بخاطر اعتقاد به دنیای پس از مرگ ظروف مملو از غذا و لوازم مشخص چه زن و چه مرد با او دفن میگردد. در حفاریهای علمی سال ۱۳۴۰ در تپه حاجی فیروز نزدیک حسنلو در مشرق شهر نَقدَه و جنوب دریاچه رضائیه اسکلت هائی مربوط به ۶ هزارسال پیش از میلاد کشف گردید که در گوشه اطاق یا حیاط دفن شده بودند، اسکلت کودکی شیرخوار نیز درون کاسه سفالی بزرگی در گوشه یکی از اطاقها بدست آمد.

این نوع خاکسپاری مُردگان تا دوره مادها در تمام مناطق ایران رواج داشت و در دوره های مختلف مثلاً دوره ایلامیها (۱۹۰۰ تا ۶۴۰ سال پیش از میلاد) که پایتخت آنها شوش و تا افغانستان حکومت میراندند آثاری از آنها در شوش - هفت تپه - معبد چغازنبیل بدست آمده که خدایانی مانند ایشتار (خدای عشق و کشاورزی) و

ایران زمین

خدایانی بنام ماه و خورشید مانند سومریها داشتند و اجساد مُردگان را با ظروف غذا و لوازم شخصی دفن میکردند. حتی برای خدایان یا پادشاه و ملکه پس از مرگ خدمتگزاران را نیز قربانی و دفن میکردند. در حفاریهای هفت تپه نزدیک شوش در سال ۱۳۴۵ گور دسته جمعی از ۱۶ دختر در سنین ۱۴ تا ۱۷ سالگی بدست آمد که همه قربانی شده و در یک قبر به ابعاد ۲ در ۴ متر که با آجر ساخته شده و طاق هلالی داشت کشف گردید. ناگفته نماند اگر اسکلت یا اشیایی در خاک رُس قرار گیرد بدلیل نفوذ ناپذیری هوا، استخوانها نسبتاً سالم باقی میماند و اگر اشیائی در زمینهای شنی و سنگی قرار گیرد. بدلیل نفوذ پذیری هوا سالم نمانده خیلی زود پوسیده و خاک میشود.

خَلَد (تأثیر) دین زرتشت در فرجامگاه

با پیدایش بزرگ پیامبر زرتشت و تعلیمات دینی او در روال زندگی انسانها و بخصوص دوره هخامنشی (۵۵۹ تا ۳۳۱ پیش از میلاد) و گرامی داشتن چهار عنصر آب، آتش، هوا و خاک و آلوده نکردن این چهار عنصر، خاکسپاری مُردگان انجام نمیشد، بلکه جسد در بیرون از شهر و در بلندیها گذاشته میشد تا گوشت آنها خوراک پرندگان شده و سپس استخوانها را در دخمه ای بنام اُستودان (محل استخوان) میگذاشتند. از این دخمه ها تعداد زیادی در روبروی شهر

ایران زمین

استخر و بلندیهای غرب تخت جمشید فراوان به چشم میخورد. در نقش رستم ۹ کیلومتری شمال غربی تخت جمشید سه آرامگاه مهم داریوش ، خشایارشا (پسر داریوش) داریوش سوم در ارتفاع ۱۵ تا ۲۰ متری کوه ساخته شده و درون هریک از این دخمه ها سه حوضچه (وان) به اندازه های ۱ در ۲ متر و عمق ۱٫۲۰ متر در دل سنگ حجاری شده است. چنین گفته اند که جسد این سه پادشاه در این حوضچه ها با عسل طبیعی پوشانده شده بود و سپس با در سنگی روی حوضچه ها را مسدود کرده اند. همانطور که هردوت مورخ یونانی (۴۲۰ - ۴۸۰ پیش از میلاد) نوشته است ایرانیان تن مردگان را با موم میپوشانند و سپس بخاک میسپارند تا اندازه ای صحیح بنظر میرسد. چون هردوت اصلاً به ایران سفر نکرده و تا اواخر زندگی خشایارشا فوت کرده است دیگر مدرکی در دست نیست بخصوص مومیائی کردن مانند مصریها انجام نمیشده و همانطور که قبلاً نوشته شد با عسل طبیعی که دارای مواد مومی نیز بوده و ضد فساد و فاسد شدن است عمل دفن اجساد را انجام میداده اند. اما چون در دوره هخامنشی و بخصوص اجساد این سه پادشاه درون حوضچه ها و پوشش سنگی ، هوا بمرور نفوذ کرده و عسل تبخیر و پس از چند سالی از بین رفته است دیگر اثری حتی از استخوان آنها هم بدست نیامده. هم چنانکه جسد کورش در پاسارگارد بشکل دیگری در آرامگاه مشهورش در آن دخمه گذاشته شده پس از سالها بکلی از

ایران زمین

بین رفته است.

با پیدایش جسد مومیائی شده ملکه خشایارشاہ آنهم در مرز ایران و پاکستان که اخیراً روزنامه ها مفصل در باره آن نوشتند و پژوهش باستان شناسان از موزه ایران باستان و تقلبی بودن آن همانطور که در پیش نوشته شد با نمونه برداری از استخوان و مواد مومیائی و آزمایش کرین ۱۴ اصیل بودن یا تقلبی بودن اشیاء مشخص شده و سازندگان نادان را رسوا میکند.

دوره اشکانیان (پارتها)

در این دوره (۲۴۷ پیش از میلاد تا ۲۲۴ پس از میلاد) به دلیل دوستی دولت اشکانی با یونانیها و حتی ازدواج خاندان سلطنتی با یونانیها، مسئله جنگ و ستیز از بین رفت و حتی اشکانیان خود را دوستدار یونانیان نامیدند و در پشت سکه های اشکانی جمله (هلو فیل) بخط یونانی ضرب شده است که بمعنی دوستدار یونان است . در این دوره اعتقادات مذهبی اشکانیان علاوه بر عقاید زرتشتی با عقاید مذهبی یونانیان نزدیک شده و تأثیر بسزائی در دین اشکانیان و دفن مُردگان انجام گرفته است در این دوره الهه ارتمید خدای گیاه و حیوانات یونانیان و بعل (خدای بابلیان) مورد پرستش قرار میگرفت. در حفاریهای علمی (سال ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ خورشیدی) در

ایران زمین

معبد آناهیتا در کنگاور نزدیک کرمانشاه اجساد و اسکلت زیادی بدست آمد که درون تابوتهای سفالی یا خُمره های بزرگ به اندازه انسان گذاشته شده بود و هم چنین در حفاریهای علمی سال ۱۳۵۶ در اطراف محله سنگ شیر همدان، خمره و تابوتهای سفالی زیادی مربوط به زمان اشکانیان بدست آمده است (مرکز پایتخت و حکومت اشکانیان در تابستان همدان بود و زمستانها در بابل و عراق امروزی میگذراندند) بنابراین در این دوره هم هیچ نوع مومیائی انجام نمیگرفته است. بلکه مانند گذشتگان باستانی داخل تابوت و خمره ها، ظروف غذا و لوازم زن یا مرد گذاشته میشده است که به زندگی در دنیای پس از مرگ اعتقاد داشتند.

دوره ساسانیان (۲۲۶ پیش از میلاد تا ۶۵۱ میلادی)
در دوره ساسانیان و پیروی شدید از دین زرتشت که در دوره اشکانیان اهمیت کمتری پیدا کرده بود مجدداً بهمان شیوه هخامنشی عمل میشد و در واقع دوره ساسانیان شکوفائی دوباره هنر و تمدن هخامنشی گردید. در این دوره دفن مُردگان در خاک ابداً انجام نمیشد بلکه مانند دوره هخامنشی اجساد در بلندیها قرار میگرفت و پس از مدتی استخوانها را در استودان (دخمه محل استخوان) قرار میدادند.

ایران زمین

آثار این دخمه ها در اطراف تخت جمشید و حتی در بندر سِراف در بلندیهای مشرف به دریا بسیار مشاهده شده است. در شهر یزد محل دایره ای شکل بقطر ۳۰ در خارج شهر با دیوارهای سنگی بنا شده که روی آن باز و بنام مُصَلّا (خانه خاموشان) نامیده میشود و این محل دفن یا گذاشتن اجساد زرتشتی های این شهر پس از مرگ بوده که مُردگان خود را در نواری از پارچه میپوشاندند و در محل مذکور می گذاشته که پس از چندی گوشت آنها از بین رفته و فقط اسکلت ها باقی میماند که در سال ۱۳۵۱ خورشیدی نویسنده این گزارش از نزدیک دیده و شاهد آن بوده است . ولی اکنون در ایران مدتی است که این عمل دیگر انجام نمیشود و متوقف گردیده است .

نوشته و تحقیق : آقای جهانگیر یاسی، باستان شناس اُستاد سابق دانشگاه تهران. دارای دیپلم تخصص نگهداری اشیاء باستانی از دانشگاه لندن.